



An Assessment of Abu al-Mufaddal Sheibani's Undermining [Tadh'eef] in Distorting and Forging Documents^۱

Muhammad Taqi Zakiri^۲

Amid Reza Akbari^۳

Abstract

Abu al-Mufaddal Sheibani (d. ۳۸۷ AH/ ۷۷۷ CE) is one of the prolific narrators who has numerous narrations in the sources of hadith and theology of Islamic sects and even a group of great scholars praise him for being a memorizer [hafiz]. However, he sometimes interfered and made non-committal interventions in the narrating narrations and documents, and a group of early rijalis [biographical evaluation specialists], such as a large number of Najashi's teachers and some Sunni scholars of the fourth and fifth centuries such as Daraqutni and some students of Sheibani narration, debilitated him. Among the Imami scholars such as Ibn Ghazairi also accuse him of forging documentation. But several scholars in recent centuries have accused predecessor rijali of being extremist or influenced by Sunni theological attitudes in undermining. Therefore, the main issue of the article is to find ways to judge these disputes. The research finding indicates that the critiques of these scholars on the undermining of their predecessors are incomplete and some historical distortions of Sheibani can be discovered by historical methods such as discussions concerning the classes [in bibliographical evaluation] and comparative studies of sources. Also, Sheibani, like some rival hadithi trends of the Imamia, has sometimes presented fake documents in support of the religion in retaliation.

Keywords: Abu al-Mufaddal Sheibani, Forging Document, Distortion, Hadithi Heritage, Rijalian [=Biographical Evaluation] Approach.

^۱. Date of Submit: ۲۲, November, ۲۰۲۰ and Date of Accept: ۴, February, ۲۰۲۱.

^۲. PhD in History of Ahl al-Bayt (A.S), Higher Education Center of Islamic History, Conduct [Sirah] and Civilization of Al-Mustafa International University; (taghi.zakeri@yahoo.com).

^۳. PhD Candidate in Quranic and Hadith Sciences, Qom University, Qom, Iran, (Responsible Author); (ar.akbari113@gmail.com).



بررسی تضعیف ابوالفضل شیبانی در تحریف و جعل اسناد*

محمدتقی ذاکری** عمیدرضا اکبری***

چکیده

ابوالفضل شیبانی (م. ۳۸۷ق) از جمله راویان پرکاری است که روایات پرشماری در منابع حدیث و کلام فرق اسلامی دارد و حتی جمعی از بزرگان فریقین او را به حافظ بودن می‌ستایند. با وجود این، گاه دخل و تصرفات غیر متعهدانه‌ای در نقل روایات و اسناد داشته و جمعی از رجالیان متقدم مانند جمع زیادی از مشایخ نجاشی و برخی از بزرگان عامی سده چهار و پنج همچون دارقطنی و برخی از شاگردان روایی شیبانی او را تضعیف کرده‌اند. از امامیه نیز بزرگانی چون ابن‌غضائری او را متهم به سندسازی می‌کند. اما جمعی از عالمان سده‌های اخیر، پیشینان رجالی را به تندروری یا تأثیرپذیری از نگرش‌های کلامی عامه در تضعیف متهم کرده‌اند. بنابراین، مسأله اصلی مقاله، یافتن راه‌هایی برای قضاوت در این اختلافات است. یافته تحقیق آن است که نقدهای این عالمان بر تضعیفات پیشینان ناتمام است و با روش‌هایی تاریخی مانند ابحاث طبقاتی و بررسی‌های تطبیقی منابع می‌توان برخی از تحریفات شیبانی را کشف کرد. همچنین شیبانی مانند برخی از جریان‌های حدیثی رقیب امامیه، گاه با مقابله به مثل، اسنادی ساختگی در تأیید مذهب ارائه داده است.

واژگان کلیدی: ابوالفضل شیبانی، جعل سند، تحریف، میراث حدیثی، رویکرد رجالیان.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۲ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۱۱/۱۶.

** دانش‌آموخته دکتری تاریخ اهل بیت علیهم‌السلام، مجتمع آموزش عالی تاریخ، سیره و تمدن اسلامی جامعة المصطفی العالمية؛ (taghi.zakeri@yahoo.com).

*** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم؛ (نویسنده مسئول)؛ (ar.akbari@gmail.com).

مقدمه

ابوالفضل محمد بن عبدالله بن مطلب شیبانی (۲۹۷ - ۳۸۷ق) محدث پرکار امامی مذهب ساکن بغداد است که روایات پرشماری از او در منابع روایی امامیه، زیدیه و اهل سنت باقی مانده است. او در کوفه متولد شد و بنا بر گفته‌هایش، پیش از ۱۰ سالگی به بغداد رفت و به فراگیری حدیث مشغول شد. با این وصف از سنت حدیثی کوفیان به دور نبود و تأثیرات بسیاری از محدثان کوفه گرفت. همچنان که گزارش سفرهای متعدد او به دورترین مناطق سرزمین‌های اسلامی؛ داشته‌های حدیثی او را بسیار گسترده و متنوع جلوه داده است (پاکتچی، ۱۳۷۳: ۲۸۷). گفته می‌شود سفرهای علمی او حتی در مقایسه با محدثان اهل سنت بسیار چشمگیر است (انصاری، ۲۰۱۷: ۸۰ - ۸۵).

دقت در روایات فراوانی که از او باقی مانده، نشان از توانایی‌ها و تلاش‌های گسترده وی در انتقال میراث روایی فرق مختلف دارد. طیف وسیعی از محدثان شیعی اعم از شیعیان امامی و زیدی و نیز محدثان و مؤلفان اهل سنت روایات فراوانی را از او در کتاب‌های خود نقل کرده‌اند (ذاکری، ۱۲۲: ۱۳۹۸-۱۵۶). تا آن جا که گفته می‌شود، او پل ارتباطی میان حدیث‌گرایان شیعی و سنی بوده (انصاری، ۲۰۱۷: ۸۰ - ۸۵) و آثار بسیاری در زمینه فضائل و دیگر موضوعات را نیز در کارنامه دارد (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۹۶؛ طوسی، ۱۴۲۰ق، ۴۰۱).

با این حال، تراجم نگاران و محدثان بسیاری نیز او را در انتقال میراث حدیثی به عناوین مختلفی مانند کذب، جعل و سرقت حدیث و یا گاهی به جعل سند برای روایات متهم کرده‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۹۶؛ ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۹۹؛ بغدادی، ۱۴۱۷: ۸۷/۳، ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۱۷/۵۴ و ۱۸). به این ترتیب می‌توان گفت با مواجهه یکسانی در قبال شیبانی مواجه نیستیم. در یک طرف ماجرا شیبانی را می‌توان محدثی یافت که تلاش قابل توجهی در انتقال میراث حدیثی انجام داده؛ اما در سوی دیگر او را محدثی اهل جعل و کذب دانسته‌اند که در انتقال میراث حدیثی دخل و تصرفاتی غیر متعهدانه انجام داده است.

شاید همین داورها موجب آن شده که تردیدها در مورد ضعف و وثاقت شیبانی تاکنون برجا باشد و حتی جمعی از عالمان امامی قرون اخیر به رد تضعیفات قدمای امامیه نسبت به شیبانی پردازند. البته در میان معاصران شیعی، برخی مانند حسن انصاری و احمد پاکتچی در نگاه‌های خود در مورد شیبانی، به نمونه شواهدی از جعلیات شیبانی در تأیید نظر قدما اشاره‌ای کرده‌اند، محمد تقی ذاکری نیز



در پایان‌نامه خود با عنوان «نقش ابوالفضل شیبانی در روایات تاریخ اهل بیت (علیهم‌السلام)» نیز در چند موضع تا حدی به شواهد تحریفات شیبانی پرداخته، اما با این همه هنوز اختلاف در این زمینه باقی است و مناسب است که در این مقاله به پژوهش مستقل و مفصلی در مورد مستندات اتهام شیبانی و بررسی تفصیلی دیدگاه‌ها در مورد شیبانی و اتهام او پرداخته شود.

پرسش این است که آیا می‌توان در مورد آن چه که در مورد شیبانی بیان شد داوری کرد؟ آیا می‌توان روایاتی از شیبانی یافت که وی در جعل سند یا متن آن مؤثر بوده باشد؟ روش‌های کشف جعل و وضع او چیست؟

الف. دیدگاه‌های مختلف در مورد جایگاه روایی شیبانی

از دیر باز دو جنبه شخصیتی شیبانی - یکی تلاش و حفظ بالای او، دوم ضعف و اتهام او - مورد توجه رجالیان و محدثان فریقین بوده است.

۱. مدح‌های متقدمان در مورد شیبانی

شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) از فهرست‌نگاران شیعی، تعبیر مدح‌گونه «کثیر الروایة» و «حسن الحفظ» را برای او به کار برده، اما تذکر داده که او توسط جماعتی از اصحاب تضعیف شده است (طوسی، ۱۴۲۰: ۴۰۱؛ ۱۴۱۵: ۴۴۷). طوسی گزارش‌های مکرر از کتاب‌های فهرست حمید بن زیاد کوفی (واقفی) و محمد بن جعفر بن بطه قمی را با واسطه شیبانی نقل کرده (همو، ۱۴۲۰: ۲۰، ۲۱، ۳۵، ۳۶، ۴۲، ۴۳، ۴۹، ۵۴، ۱۵۵، ۱۶۰، ۱۶۵ و...) و ۲۰۰ صفحه از امالی‌ش را نیز به اخبار او اختصاص داده است (طوسی، ۱۴۰۵: ۴۴۵ - ۶۴۳).

نجاشی (م ۴۵۰ ق) نیز گفته: او همه عمرش را در طلب حدیث مسافرت کرد، و در ابتدا ضابط بود (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۹۶). از شاگردان روایی عامی شیبانی، افرادی مانند تمام بن محمد رازی (م ۴۱۴ ق) (رازی، ۱۱۲۹؛ ابن‌عساکر، ۱۴۱۵: ۱۴/۵۴)، ابومحمد خلال (م ۴۳۹ ق) (خلال، ۸۶)، احمد بن ابی جعفر قطیعی (م ۳۶۷ - ۴۴۱) (بغدادی، ۱۴۱۷: ۳۳۷/۸؛ طیوری، ۱۴۲۵: ۳۱۶/۲، ۵۲۰)، قاضی تنوخی (م ۴۴۷ ق) (شجری، ۱۴۲۲: ۱۵/۱)، ... (نیز ر. ک: سلفی، ۹۲؛ ابن‌عساکر، ۱۴۱۵: ۴۰/۷؛ ج ۴۹/۱۳؛ عطار، ۱۴۲۳: ۱۵۲/۱)، او را حافظ خوانده و حمزة الدقاق (م ۴۲۴) از سمت و وقار او، و ابو العلاء واسطی از ظاهر نیکو و پاکیزه او گفته است. دارقطنی (م ۳۸۵ ق) او را شبیه شیوخ می‌دانست (بغدادی، ۱۴۱۷: ۸۶/۳) و حتی در دوره‌ای او را مانند راهبان می‌دانست و از او

درخواست می‌کرد برای وی دعا کند (ابن‌عساکر، ۱۴۱۵: ۱۸/۵۴). مجموع این نکات چه بسا در توجه جمع قابل توجهی از مشایخ شیعه و سنی به شیبانی مؤثر بوده است (بغدادی، ۱۴۱۷: ۸۶/۳).

۲. تضعیفات متقدمان فریقین

شیبانی توسط مشایخ روایی هم‌عصر خویش و حتی شاگردان روایی خود اعم از شیعیان و عامه به وضع حدیث، جعل سند، کذب و مانند آن‌ها متهم شده است. شاید اساسی‌ترین اشکال امثال ابن‌غضائری (م. حدود ۴۱۰ق) به روایات شیبانی، «وَضَاع» بودن و جعل سند برای روایات غیر معتبر باشد (ابن‌غضائری، ۱۳۶۴: ۹۹). نجاشی که خود از راویان شیبانی بوده، می‌گوید: شیبانی بعداً دچار تخلیط شد، و غالب شیوخ امامی او را طعن زده و ضعیف می‌دانستند. حتی خود وی در زمانی که شیبانی خلط در حدیث می‌کرده از روایت مستقیم از شیبانی پرهیز می‌کرده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۹۶). نجاشی در موارد دیگری نیز او را در مورد برخی از اسنادش غیر قابل اعتماد دانسته است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۵۴، ۳۳۶). عبارت عبد بن احمد، ابن‌سماک هروی (م ۴۳۴) نیز چه بسا بر همین اتهام نزد مشایخ امامیه دلالت کند: «بر رافضه احادیثی را املا می‌کرد، که در میان آن مثالب صحابه نیز بود و او را به قلب و وضع متهم می‌کردند.» (ابن‌عساکر، ۱۴۱۵: ۱۸/۵۴) هرچند این برداشت قطعی نیست.

در میان عامه خطیب بغدادی (م ۴۶۳ق) می‌گوید: در همان زمان حدیث گویی شیبانی در بغداد کذب او آشکار شد. طبق گزارش‌های بغدادی؛ محدثان بغداد معتقد بودند شیبانی وضع و نیز سرقت حدیث^(۱) می‌کرده است (بغدادی، ۱۴۱۷: ۸۷/۳؛ ابن‌عساکر، ۱۴۱۵: ۱۷/۵۴ - ۱۸).

خطیب بغدادی (م ۴۶۳) می‌گوید شیبانی احادیث غریب و سؤالات شیوخ را روایت می‌کرد. اخبار او را با گزینش دارقطنی نوشتند، اما بعد که کذب او مشخص شد، حدیثش را نابود کردند و برای رافضه حدیث جعل و در مسجد باب شرقی املا می‌کرد (بغدادی، ۱۴۱۷: ۸۶/۳). بنا بر گفته ازهری این گزینش‌ها ۱۷ جزء می‌شد، و دارقطنی (م ۳۸۵) او را به ترکیب روایات و کذب متهم کرده بود (همان، ۸۷).

حمزة بن محمد الدقاق (م ۴۲۴) - که مانند امثال دارقطنی و هروی اخباری از شیبانی نوشته بود - نیز او را متهم به جعل حدیث کرده است (همان، ج ۸۶/۳). دیگر شاگرد روایی او، ابو القاسم ازهری (م ۴۳۵) او را اهل تخلیط^(۲) و دجال کذاب شمرده که برایش اصلی^(۳) نمی‌شناخته است. به نظر می‌رسد هرچند شیبانی گاهی درست حفظ می‌کرده (همان، ۸۶)، اما احادیث دیگران را می‌دزیده



است (همان، ۸۷). ابو الحسن احمد بن ابی جعفر قطعی (م ۴۴۱) تخلیض او را بسیار دانسته است (همان، ۸۸).

با این حال برخی از محدثان اهل سنت، میراث روایی شیبانی را نادیده نگرفته و گاه برای روایت از شیبانی به این که فلان روایت از شیبانی در حضور دارقطنی دریافت شده (ظاهراً جهت تقویت روایت) استناد می‌شده است (بغدادی، ۱۴۱۷: ۳/۴۲۸؛ شجری جرجانی، ۱۴۲۲: ۱/۱۸۳). گاهی نیز در روایت از شیبانی به امور دیگری برای پنهان داشتن اخذ روایت از شیبانی می‌پرداختند. خطیب بغدادی (م ۴۶۳ق) از محدثی با عنوان «محمد بن عبدالله بن محمد کلوذانی» یاد کرده که عباس بن عمر کلوذانی از وی روایت می‌کند اما در انتهای نقل، خطیب ضمن تضعیف عباس بن عمر کلوذانی، در مورد محمد بن عبدالله کلوذانی می‌گوید: «این عنوان مجهولی است. من گمان می‌کنم منظور از وی ابوالفضل (= ابوالفضل) شیبانی است و عباس بن عمر، شیبانی را به کلوذانی تغییر داده تا نام شیبانی را پوشیده دارد.» (بغدادی، ۱۴۱۷: ۳/۸۰). حتی خطیب در کتاب موضح اوهام الجمع و التفریق - که در آن سعی داشته روایان با اسامی یا توصیفات گوناگون را بشناساند - از ابوالطیب جعفری نقل کرده که در سندی به جای نام ابوالفضل شیبانی، «ابوالفضل عبدالله بن عبد الخالق» به‌کار برده است (بغدادی، ۱۴۰۷: ۲/۴۵۴).

۳. دفاع برخی از متأخران امامی از شیبانی

گرچه جمعی از عالمان متأخر امامی مانند: (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰: ۱۴۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۱: ۲۵۲؛ ابن داوود، ۱۳۴۲: ۵۰۶) و غیر ایشان (ذهبی، ۱۴۰۴: ۳/۶۰۷ - ۶۰۸؛ ابن حجر، ۱۳۹۰: ۳/۳۰۶) ضعف شیبانی را پذیرفته‌اند؛ اما شاید برای نخستین بار مجلسی اول (م ۱۰۷۰ق) به دفاع از شیبانی برخاست و روایت برخی از بزرگان مانند حسین بن عبدالله غضائری و ابن عبدون را نشان مدح او گرفت (مجلسی اول، ۱۴۱۴: ۸/۳۴۵). او از اساس معتقد بود «چگونه وضع و جعل حدیثی را بدون اینکه خود شخص به جعل اعتراف کند می‌شود بدو نسبت داد؟ مگر اینکه از خودش بشنویم که می‌گوید مطلب جعلی را مستقیماً از امام شنیده است.» (مجلسی اول، ۱۴۰۶: ۱۴/۴۴۱) پس از مجلسی، وحید بهبهانی (م ۱۲۰۵ق) روایات متعدد خزاز رازی از شیبانی و ترحمش بر او را برای مدح شیبانی کافی دانست (مامقانی، ۱۴۳۱: ۳/۱۴۵). ملا اسماعیل حائری (م ۱۲۱۶ق) در منتهی المقال - با وجود اذعان نجاشی به دو دوره ضبط و تخلیض برای شیبانی - روایت با واسطه نجاشی از شیبانی را نشان پیراستگی شیبانی نزد نجاشی شمرده (حائری، ۱۴۱۶: ۶/۱۰۰) و محدث نوری (۱۳۲۰ق)

گزارش تضعیف شیبانی را به آخر عمرش فروکاسته، البته عمل اصحاب را خلاف آن دانسته است (نوری، ۱۴۰۷: ۷۲/۹).

محمد سند نیز به صرف گزارش‌های تغییر نظر عامه در مورد شیبانی، تغییر نظر نجاشی در مورد او را دقیقاً همسو با عامه پنداشته، دلیل تضعیف را نیز منحصر در روایت مثالب صحابه توسط شیبانی می‌داند (سند، ۱۴۳۱: ۳۱۷ - ۳۱۸). او استدلال کرده که برخی از روایان مطعون نجاشی و ابن غضائری، مورد توثیق دیگرانی بوده‌اند و در این راستا روایت بزرگان از راوی را نیز شاهد وثاقت دانسته است (سند، ۱۴۳۱: ۲۹۳ - ۳۰۱)، البته بنا بر برخی پژوهش‌ها، صرف روایت یا شیخوخت اجازه، وثاقت کلی راوی را در نظر برخی از قداما نشان نمی‌دهد (اکبری، ۱۳۹۷: بخش ۳-۴-۳ و ۳-۴-۳).

۴. نقد نگرش متأخرانِ مدافع شیبانی در مورد عللِ تضعیفاتِ قداما

برخی از متأخرین مدافعان شیبانی به‌طورکلی یکی از علل اصلی جرح‌های قدامای رجالی مانند نجاشی را تأثر از آرای عامه در تضعیف روایان فضائل و مثالب می‌شمارند (مجلسی اول، ۱۴۰۶: ۹۵/۱؛ ج ۲۷۸/۱۴ - ۲۷۹؛ مجلسی دوم، ۱۴۰۳: ۸۹/۵۲؛ مامقانی، ۱۴۳۱: ۳۰۰/۲ - ۳۰۵؛ سند، ۱۴۳۱: ۳۰۰؛ نیز ۲۷۳، ۳۱۶، ۳۲۰)، که این دیدگاه متأخر کاستی‌های بسیاری دارد (قربانی، اکبری، ۱۳۹۷: بخش ۲ - ۳ - ۱ - ۱)؛ بسیاری از محدثان و متکلمان به‌نام امامی و به‌ویژه خود شیبانی فراوان از مشایخ عامی استفاده کرده‌اند (همان؛ موسوی تنیانی، ۱۳۹۲: ۸۹ - ۱۱۰) اما چنان‌که محمد سند هم تلویحاً اذعان نموده، داشتن مشایخ عامی به‌تنهایی تأثر کلامی ایشان از عامه را ثابت نمی‌کند.

استفاده محدود نجاشی از مشایخ عامه بیشتر در مباحث فهرستی بوده (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۹۷؛ طاووسی، ۱۳۹۷: ۳۵۹)، و شاهد روشنی از جرح روایان توسط او، به صرف تأثر از مشایخ عامی، (و نه مثلاً اطلاع بر مستندی مشترک) یافت نشد. بر خلاف دیدگاه برخی (وحید، ۱۳۶۲: ۳۸؛ مامقانی، ۱۴۳۱: ۲۹۸/۲ - ۳۰۶؛ حائری، ۱۴۱۶: ۷۷/۱) موردی پیدا نشد که عالمی شیعی یک راوی را به صرف روایت یک معجزه (و نه به‌خاطر مشکلات تاریخی و حدیثی دیگر) تضعیف کرده باشد.

ابن غضائری در کنار نگاه نقادانه تاریخی (اکبری، ۱۳۹۷: بخش ۲ - ۲)، در مواردی غیرت شیعی خود را در عباراتش نمایانده است (ابن غضائری، ۱۳۸۰: ۸۳). نجاشی خود در اوایل فهرستش اذعان می‌کند که برخی از تضعیفات عامه به‌خاطر نگرش‌های کلامی ایشان است و قابل پذیرش نیست (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۴؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۶). نجاشی گاه روایانی را توثیق کرده که چندان روایتی از ایشان در منابع امامیه نیست، ولی عامه هم فراوان از ایشان روایات کرده و هم عموماً تضعیفشان کرده‌اند (نجاشی،



۱۳۶۵: ۱۰۷، ۴۴۴ «اصرم بن حوشب» و «یحیی بن العلاء». استفاده تاریخی و فهرستی از منابع تاریخ و فرق، مورد تأکید جمعی از رجال پژوهان (و نیز مورد توجه رجالیان منتقد) است (مامقانی، ۱۴۳۱: ۱۸۹/۲؛ نیز ر.ک: ج ۴۸۵/۱؛ شوشتری، ۱۴۱۰: ۲۰/۱، خویی، ۱۴۱۳: ۱۵۲/۳؛ کشی، ۱۴۰۹: ۳۷۵).

ادعای تأثیر پذیری نجاشی از عامه در تضعیف شیبانی (سند، ۱۴۳۱: ۳۱۷ - ۳۱۸)، در حالی است که نجاشی صریحاً گفته وجه تغییر نظرش طعن معظم اصحاب ما بر او بوده (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۹۶) و نه روش عامه. چنان‌که شیخ طوسی نیز ضمن ستودن قوه حفظ شیبانی، به تضعیفش توسط جماعتی از اصحاب اذعان کرده است (طوسی، ۱۴۲۰: ۴۰۱). البته صرف قدرت حفظ لزوماً منافاتی با ضعف ندارد؛ مثلاً عیاشی، اسحاق بصری را هم‌زمان غالی و حافظ‌ترین کسی که دیده، دانسته است (کشی، ۱۴۰۹: ۵۳۱).

در اخبار عامه نیز سخنی از تضعیف شیبانی به‌خاطر نقل فضائل نادر ائمه، یا مثالب صحابه نمی‌بینیم. بلکه اشاره هروی به‌نقل مثالب توسط شیبانی نیز مربوط به دوران جداسدن او از عامه بوده است (ابن‌عساکر، ۱۴۱۵: ۱۸/۵۴) در حالی که او توسط عامه تضعیف شده و در روایت عامه، شیبانی حتی خبری در مقامات ابوبکر و عمر نقل کرده که بنا بر آن از زمین مانند ستارگان درخشان دیده می‌شوند (بغدادی، ۱۴۱۷: ۲۸۴/۴). با این همه، روایات مثالب از شیبانی، نه در منابع عامه، و نه حتی امامیه چندان نمودی ندارد.

همچنین چه اشکالی دارد که در مباحث تاریخی و بر اساس ادله و قرائن مقبول، عالمان فرق مختلف به‌نظر مشترکی برسند؟ چه شیعه و سنی در طعن بر ابوالخطاب و شلمغانی و حلاج اتفاق دارند (نمونه ر.ک: شوشتری، ۱۴۱۰: ۵۳۹/۳؛ ۴۴۳/۹). گرچه در بسیاری از تضعیفات پیشینیان و برخی از مواردی که شیبانی را متهم به وضع و سندسازی متهم کرده‌اند، ادله ذکر نشده، اما در برخی از موارد به اجمال قرائنی آورده شده است. ابن‌غضائری ضمن متهم کردن شیبانی به وضع بسیار و روایت مطالب منکر،^(۴) می‌افزاید که کتاب‌های شیبانی را دیده و در آن‌ها، اسانید بدون متون و متون بدون اسانید بوده است (ابن‌غضائری، ۱۳۶۴: ۹۹).

علی‌رغم همه تلاش‌هایی که برای توجیه مثبت این گزارش ابن‌غضائری در مورد شیبانی شده (مجلسی اول، ۱۴۱۴: ۳۴۵/۸) به‌نظر می‌رسد ابن‌غضائری در صدد بیان آن بوده که شیبانی اسانید روایات را جداگانه و متون روایات را نیز به‌صورت جدا گرد آورده و با صلاح‌دید خود سندها را به ابتدای

روایات ملحق می‌ساخت و وانمود می‌کرد روایات مورد نظر را با آن‌ها دریاقت کرده است. به اقتضای معاصرت ابن‌غضائری با شیبانی و دقت بالای او (اکبری، ۱۳۹۷: بخش ۲ - ۲) نسبت این دفاتر به شیبانی موجه می‌نماید. بنابراین، فارغ از مستندات سندسازی شیبانی که در ادامه می‌آید، باز نقدهای فوق بر تضعیفات قدما ناتمام است.

به‌عنوان نمونه‌ای مشابه از قضاوت‌های پیشینان، دارقطنی می‌گوید شیبانی از شیخی به نام «العمری» و با ذکر سلسله سند روایتی نقل کرده مبنی بر این که احرام حج جز در ماه‌های حج واقع نمی‌گردد. دارقطنی نقل این روایت توسط العمری را غیر ممکن دانسته و شیبانی را به سندسازی و نسبت ناروای آن به العمری متهم کرده (بغدادی، ۱۴۱۷: ۸۷/۳؛ دارقطنی، ۱۴۰۴: ۲۷۴ - ۲۷۵). هم‌چنین دارقطنی نمونه‌هایی از آسیب‌هایی طبقاتی اسناد شیبانی را نیز نشان داده است. شواهد بخش‌های بعد کلام ابن‌غضائری و دارقطنی را تأیید می‌کند.

ب. مشکلات طبقات اسناد شیبانی، و مشایخ غیر واقعی او

مشایخ شیبانی بنا بر اسناد او بسیار زیاد هستند (پاکتچی، ۱۳۷۳: ۲۷۸)؛ مشایخی از طیف‌های مختلف عامه، فرقه‌های گوناگون شیعی از امامیه و زیدیه تا واقفه و نصیری و نیز جماعتی ناشناس، در طبقات گوناگون که جمع زیادی از ایشان در دوران کودکی و نوجوانی او در گذشته‌اند، البته در موارد بسیاری شیبانی مکان و سال اخذ از ایشان را نیز تعیین می‌کند (اکبری، ۱۳۹۹: بخش ۲). این که سماع و یا دست‌کم ملاقات شیبانی با این مشایخ فرق مختلف، آن هم از دو دهه نخست عمرش چقدر پذیرفتنی است، مطلبی است که در نوشتار دیگری بدان پرداخته‌ایم (همان). در این جا تنها به مواردی می‌پردازیم که اضطراب و آسیب‌های دعاوی او مشعر به این است که او واقعاً چنین شیخی نداشته است.

۱. شواهدی بر نمونه انتقادات پیشینان

شیبانی کتاب محمد بن حسن بن شمون بصری (۲۵۸ق) را به سند کوتاه احمد بن محمد بن [بن موسی، ابو] عیسی بن العراد (۳۰۲م) روایت کرده (بغدادی، ۱۴۱۷: ۸۷/۳؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۳۶). اما شیبانی تحمل حدیثش از ابن‌عراد کبیر را در سال ۳۱۰ق دانسته (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۷۷، ۵۸۳؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۶۶؛ خزاز، ۱۴۰۱: ۱۳۶) گفتنی است در حد فحص ما، عموم راویان از ابن‌عراد از طبقات پیش از شیبانی هستند؛ مانند ابن‌الصوف (۳۵۹م)، ابن‌عبدویه (۳۵۴م)، یوسف بن القاسم



میانجی (م ۳۷۵)، ابو عمر بن السماک (م ۳۴۴). بنا بر گزارشی در تاریخ بغداد، زمانی شیبانی از ابن عراد کبیر روایتی را از ابن شمون نقل می‌کرد. از او سوال شد که از کدام ابن عراد روایت می‌کنی؟ از برادر بزرگتر یا برادر کوچکتر؟ شیبانی ادعا کرد که از برادر بزرگتر روایت می‌کند. آن گاه از او سوال شد چه زمانی آن را از ابن عراد شنیده است. او سال ۳۱۰ق را عنوان داشت که چند سال پیش از آن راوی مورد نظر از دنیا رفته بود. در قضیه مذکور دارقطنی کذب شیبانی را نمایان ساخت (بغدادی، ۱۴۱۷: ۸۷/۳).

شیبانی نیز ادعا کرده که رجاء بن [محمد بن] یحیی بن سامان عبرتایی را در سال مرگش (۳۱۴ق) درک کرده و از او نیز مستقیماً اخبار ابن شمون روایت کرده است (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۲۵). او از همین تک واسطه، روایاتی از هارون بن مسلم در سال ۲۴۰ (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۷۲، نیز ر.ک: ص ۵۴۳، ۶۱۳)، یعقوب بن یزید (همان، ۴۵۷)، احمد بن هلال (م ۲۶۷ق) (همان، ۴۹۷، ۵۸۷) ابن سکیت (م ۲۴۴ق) (همان، ۵۸۰) را غالباً با مضامین اخلاقی و حکمت آمیز؛ و گاه کلامی مثلاً از ابوبکر بن خالد، م ۲۳۹ق (خزاز، ۱۴۰۱: ۶۸) دریافت کرده است. رجاء صاحب کتابی با عنوان «المقنعه فی ابواب الشریعه» و راوی امام هادی شمرده شده؛ اما تنها راوی اثر، شیبانی است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۶۶؛ بغدادی، ۱۴۱۷: ۱۴۲/۸). با این همه و با این که او کاتب و پدرش از گماردگان دربار شمرده شده، اما در آثار و از آن جمله در کتب تاریخ هیچ خبری از او نیست؛ مگر در طرق شیبانی. هم‌چنین روایات رجاء از امام عسکری نیز پیشتر از معصومان متقدم‌تر به طرق دیگر روایت شده. (نمونه قس: ابن طاووس، ۱۴۰۹: ۲۵/۱ با کلینی، ۱۴۰۷: ۷۱/۴، ۶۱؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۱۶۲/۲؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۲۴/۳؛ و قس: ابن طاووس، ۱۳۳۰: ۲۲۵ با همو، ۱۴۰۶ - فلاح/۹۱) دانسته نیست که آیا رجاء وجود خارجی داشته و یا تنها واسطه کوتاه شیبانی به امام هادی علیه السلام و روات متقدم شده است؟ بی دلیل نیست که نجاشی این طرق شیبانی را «مظلم» دانسته است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۳۶).

۲. عدم امکان روایت از برخی مشایخ

شیبانی گفته از حمزة بن محمد بن عیسی الکاتب (م ۳۰۲) در بغداد روایت شنیده است (یونارتی، ۱۰). او اخذ حدیثش از ناصر اطروش (م ۳۰۴) (طبری، عماد الدین، ۱۳۸۳: ۷۵) و نیز از ابو دلف هاشم بن مالک الخزاعی (م ۳۱۲ق) در مسجد الشریقه بغداد سال ۳۰۴ (طوسی، ۱۴۱۴: ۶۰۹؛ و خزاز، ۱۴۰۱: ۷۹) را در اخبارش آورده است. در حالی که اطروش سال‌های پرفراز و نشیب آخر عمرش را در طبرستان و به عنوان حاکم گذارنده بود (مجد، ۱۳۹۲: ۱۴۰ - ۱۴۸). حال شیبانی

خردسال چه مجالی برای روایت از او حتی به صورت شرکت در جلسه عمومی او یافته بود؟ شیبانی ادعای نقل بی واسطه از برخی مشایخ را داشته، که اساساً امکان آن وجود نداشته است. مثلاً می‌گوید: در سال ۳۲۱ق احمد بن عبیدالله بن عمار کاتب ثقفی (م ۳۱۴ق) شنیدیم که از علی بن محمد نوفلی در سال ۲۵۰ق حدیث شنیده است. (طوسی، ۱۴۱۴: ۶۳). شیبانی از عبد الرحمن بن محمد بن عبیدالله عزرمی (م ۱۸۰ق)، (همان، ۵۵۹) ابو بشر حیان بن بشر اسدی (م ۲۳۸ق) در مصیبه (همان، ۵۰۱)، ابراهیم بن محمد بن عرعره شامی (م ۲۳۲ق)، (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۳۳۳/۲۴) با تعبیر حدثنا روایت می‌کند. شیبانی نیز آورده: «حدثنا احمد بن عبدالرحیم بن سعد قیسی بأسوان إملاء من حفظه» (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۹۵). گرچه راوی را نمی‌شناسیم؛ ولی کلینی (م ۳۲۹ق) با دو واسطه (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶/۶) و احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ق) با یک واسطه (برقی، ۱۳۷۱: ۵۵۳/۲) از «احمد بن عبدالرحیم» روایت کرده‌اند.

۳. اضطراب اسناد شیبانی و شواهدی بر اتهام سرقت حدیث

اضطراب اسناد شیبانی در قبال جمعی از مشایخ قابل توجه است. شیبانی از متهمانی با چند طبقه فاصله با تعبیر حدثنی و حدثنا روایت کرده است؛ مانند محمد بن اسماعیل حسنی (طبری، ۱۴۱۳: ۱۵۸، ۴۲۳، ۴۹۷) و جعفر بن محمد بن مالک فزاری (م. حدود ۳۰۰ق) (آقازرگ، ۲۹۸/۴) (طبری، ۱۴۱۳: ۱۴۰، ۳۱۳، ۴۰۲) در حالی که او خود از فزاری، با واسطه ابن همام (همان، ۴۶۴، ۴۶۹، ۴۷۲؛ خزاز، ۱۴۰۱: ۵۲) و از حسنی با واسطه فزاری (طبری، ۱۴۱۳ق، ۳۱۳، ۳۸۴؛ خزاز، ۱۴۰۱: ۱۷۸، ۲۳۶؛ عصمة الدولة، ۲۰۱۶: ۴۵۰، ۴۵۷) نقل کرده است. از طرفی در دیگر مسانید، تنها خصیبه (م ۳۴۶ یا ۳۵۸ق)، پیشوای نصیریان، راوی از حسنی است (خصیبه، ۲۰۰۷: ۱۹، ۲۲۵، ۲۳۴، ۲۷۶، ۲۹۷ و...؛ عصمة الدولة، ۲۰۱۶: ۱۶۹، ۴۴۸، ۶۲۴، ۶۳۶ و...). نصیریان اخبار بسیاری را در مورد بابت و نیز مصداق‌های باب‌ها از او و فزاری نقل کرده است (خصیبه، ۲۰۰۷: ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۶ و...؛ ابن مقاتل، المجالس النمیریة، ۱۰، ۱۹، ۳۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: صفری، ۱۳۹۶: ۷-۴۸).

گرچه آرای اختصاصی غلات، کمتر در اخبار شیبانی نمود یافته، اما مجموعه‌ای از روایات شیبانی در کتاب دلائل الإمامة، با همان ترتیب در کتاب الهدایة الكبرى خصیبه دیده می‌شود (نمونه قس: طبری، ۱۴۱۳: ۱۵۸، ۳۱۳، ۴۴۶ - ۴۵۰؛ خصیبه، ۱۴۱۹: ۳۷، ۲۶۵، ۳۷۴ - ۳۷۶)؛ که گاه



تغییرات اندکی در ناحیه متن دارند و البته با وجود تأخر طبقه شیبانی، در اسنادش نام خصیبه نیامده؛ بلکه سند را مستقیماً از مشایخ اختصاصی خصیبه و یا حتی مشایخ مشایخش می‌آورد و گاه از اسناد دیگر اخبار خصیبه. تفصیل شواهد این تغییرات اسناد را در مقاله مجزایی باید پی گرفت.

در دلایل الإمامة روایات مشترک و با ترتیب مشابه با کمال الدین شیخ معاصرش، ابن بابویه (۳۸۱ق) فراوان دیده می‌شود، با این تفاوت که سماع شیبانی از مشایخ امامی دو تا چهار طبقه متقدم‌تر در اسناد ابن بابویه ادعا شده است (طبری، ۱۴۱۳: ۴۸۹، ۵۰۶، ۵۲۵ - ۵۲۷؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۲۰۸؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۴۱۷/۲، ۴۵۴، ۴۸۵ - ۴۸۸). در حالی که شیبانی در دوره نخست از عمرش نزد عامه و احتمالاً خودش از زیدیه بوده است (اکبری، ۱۳۹۹: بخش ۳).

شیبانی که در اسنادش، اوایل سده ۴ را دوران ارتباط گسترده‌اش با بزرگان عامه و خاصه می‌شمرد، هم‌زمان مدعی است در زمانی که انحراف شلمغانی آشکار شد و در «معلثایا» (در جنوب موصل، یاقوت حموی، ج ۵/۱۵۸) پنهانی می‌زیسته (ذاکری، ۱۳۹۷: ۱۳۹ - ۱۴۰)، نزد وی رفته و کتاب هایش را فراگرفته است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۷۹). اما روایات او از شلمغانی در منابع با واسطه شخصیتی به نام ابو النجم بدر بن عمار طبرستانی است (نمونه: طبری [منسوب]، ۱۴۱۳ق، ۱۷۴، ۱۸۹، ۲۰۹ و...). با وجود تردیدها در مورد چنین شخصیتی (ذاکری و غفوری نژاد، ۱۳۹۴: ۱۰۲) چه بسا مقصود از او، ابو الحسین بدر بن عمار طبرستانی، سردار نظامی محمد بن رائق (م ۳۳۰ق و امیر الامراء در ۳۲۴ - ۳۲۶ق) باشد (همدانی، ۱۹۶۱م، ج ۱/۱۱۷). منابع نصیری ادعا کرده‌اند که ابن رائق و بدر بن عمار از شخصیت‌های نصیری مذهب بوده است (الطویل، ۱۴۳۴: ۲۶۴، ۲۴۶؛ نیز عصمة الدولة، ۲۰۱۶: ۹۲، ۹۶، ۱۱۲، ۱۲۵ و...). دور نیست که این سردار همان راوی مورد نظر شیبانی در نقل از شلمغانی باشد. به هر حال به نظر می‌آید این نیز شهادتی بر اضطراب این دعاوی شیبانی است و حمل آن به صرف گوناگونی سماع شیبانی از مشایخ، و یا حتی اضطراب‌های رایج ناشی از سقط و تصحیف تکلف‌آمیز است.

با این همه، باید میان اسناد گوناگون تمایز قائل شد. گرچه در مواردی روایت مستقیم شیبانی از شیخی مورد تردید است، اما اصل نسبت روایت به آن شیخ اشکالی ندارد؛ مانند خبر اعلام وصایت و خلافت امام علی علیه السلام در جریان انداز عشیره توسط پیامبر صلی الله علیه و آله که شیبانی آن را از محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ق) مؤلف کتاب تاریخ و با سندی از او نقل کرده (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۸۲) که با همان کیفیت در کتاب تاریخ طبری آمده است (طبری، ۱۳۸۷: ۳۱۹/۲). در این موارد، تردید بیشتر در تعبیر «حدثنا»ی

شیبانی است. البته این تصریح می‌تواند ضعفی بزرگ‌تر از صرف تدلیس و مخفی کردن عیب سند (وجاده، نبود سماع، واسطه ضعیف) تلقی شود. این‌ها همگی مؤید اتهام پیش‌گفته شیبانی است که در روایاتش، اصلی متکی به سماع نداشته و احادیث دیگران را سرقت می‌کرده است.

ج. دلالت بررسی‌های تطبیقی و کتاب‌شناسی بر تحریف اسناد؛ مطالعه موردی خطبه غدیر

با عنایت به گستردگی اسناد منفرد ابوالفضل شیبانی و محدودیت مقاله، در این جا تنها به بررسی تفصیلی یک نمونه و اشاره گذرا به چند مثال دیگر از اسناد او اکتفا می‌شود.

۱. تحریرهای گزارشی طولانی از خطبه غدیر

در منابع متأخر امامیه روایتی خاص از واقعه غدیر ثبت شده که در آن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خطبه مفصلی، امام علی علیه السلام و فرزندانش را به‌عنوان امامان امت معرفی کرد و در نهایت از حاضران خواست با امام علی علیه السلام به‌عنوان خلیفه و جانشین پیامبر بیعت کنند. این روایت در کتاب‌های متعددی با دو سند متفاوت نقل شده است:

سند اول از محمد بن موسی همدانی؛ که از سه طریق متفاوت از ابو محمد علوی از او روایت می‌شود: یکی سند متصل صاحب احتجاج (م ۵۸۸ق) از شیوخ موثق از ابن همام از سوری از ابو محمد علوی از همدانی (طبرسی، ۱۴۰۳: ۵۵/۱)؛ و دیگری طریق زیدی کتاب شرح الأحکام علی بن بلال آملی (زنده در ۳۶۱ق) از احمد بن ابراهیم (م ۳۵۳ق) از دو واسطه از الحسن بن علی افطس علوی (عجری، إعلام الأعلام: ۱۲)؛ و در آخر در کتاب البقین از کتاب التسمیه طبری خلیلی از یکی از مشایخش از ابو محمد حسن بن علی دینوری از همدانی (ابن طاووس، ۱۴۱۳: ۳۴۳).

ادامه سند همدانی تا علقمه حضر می‌از امام باقر علیه السلام (م ۱۱۴ق) در هر سه سند یکی، و مانند سند روایتی دیگر از همدانی است (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۷۴). لذا گویا علوی یا همدانی روایت را در دفتر خود ثبت کرده، به روایان دیگر انتقال داده‌اند (شیری، ۱۴۱۹: ۱۹۰). روضة الواعظین نیشابوری (م ۵۰۸ق) نیز همین شکل از خطبه و واقعه غدیر را به‌صورت مرسل از امام باقر علیه السلام روایت کرده است (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ۸۹/۱).

در سند دوم، ابوالفضل شیبانی به‌نقل از محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ق) صاحب کتاب تاریخ و هارون بن عیسی بن سکین بلدی متن این خطبه و وقایع بعدش را با سندی کاملاً متفاوت با سند



همدانی روایت کرده، و آن را نه به امام باقر که به زید بن ارقم (م ۶۸ق)، از حاضران در واقعه غدیر می‌رساند. اولین بار این خطبه را با این سند سید علی بن طاووس (م ۶۶۴ق) در کتاب التحصین ذکر می‌کند (ابن طاووس، ۱۴۱۳: ۵۷۸؛ حلی، علی بن یوسف، ۱۴۰۸: ۱۶۹؛ بیاضی، ۱۳۸۴: ۳۰۱/۱).
 در نمودار شماره ۱، اسناد خطبه در فاصله طبقه شیبانی و همدانی آمده است. روش‌های اخذ حدیث در همه این طبقات با تعابیری مانند «حدثنا» و «اخبرنی» ذکر شده است.



نمودار شماره ۱

دو تحریر طولانی از روایت جز در مقدمه، سند و نحوه بیعت‌گیری برای امام علی علیه السلام، و اندکی اختصار در متن خطبه به روایت شیبانی تفاوتی ندارند؛ یعنی در ترتیب خطبه، وقایع، عبارات و در بیش از ۳۰۰۰ کلمه یکسان‌اند. عالمانی چون مجلسی (م ۱۱۱۰ق) در بحار الانوار نیز به این همانندی و یکسانی توجه داده‌اند (ر.ک: مجلسی دوم، ۱۴۰۳: ۲۱۸/۳۷؛ ابن طاووس، ۱۴۱۳: ۵۷۸، پاورقی

محقق) و بنا بر اصل همبستگی متن و منبع، امکان ندارد ریشه مکتوب دو متن کاملاً مجزا باشد. پس باید پرسید کدام سند احتمالاً پس از دیگری به وجود آمده؟ حلقه مشترک دو طریق در این جا بررسی می شود.

۲. بررسی روایان اصلی خطبه طولانی غدیر

اطلاعات چندانی از ابو محمد علوی در دست نیست؛ مگر آن که در یکی از اسناد همین خبر با تعبیر «و كان من عباد الله الصالحين» وصف شده است (طبرسی، ۱۴۰۳: ۵۵/۱). اما محمد بن موسی همدانی متهم به غلو، جعل حدیث و جعل کتاب است (ر.ک: نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۳۸؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۲۰۱). او متفردات طولانی دیگری هم دارد؛ از جمله روایت نماز غدیر که شیخ طوسی در تهذیب الاحکام آن را ذکر می کند (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۴۳/۳ - ۱۴۷). اما ابن بابویه ضمن اشاره به روایت نماز می گوید ابن ولید این روایت را غیر صحیح و از متفردات محمد بن موسی همدانی می داند. از همین رو صدوق از نقل آن چشم پوشی می کند (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۹۰/۲ - ۹۱).

شیبانی هم مدعی است روایت را از محمد بن جریر طبری و هارون بن عیسی بن سکین بلدی و با ذکر سلسله سند از زید بن ارقم نقل کرده است. همچنین خطبه ای از پیامبر در غدیر از زید بن ارقم در منابع دیگر نیز نقل گردیده است. ابن مغزلی (م ۴۸۳ق) در کتاب مناقب علی بن ابی طالب خطبه ای را با سند: «... نوح بن قیس حدانی عن ولید بن صالح عن امرأة زید بن ارقم» نقل کرده است (ابن مغزلی، ۱۳۸۴: ۳۴). این سند با سندی که شیبانی به طبری نسبت داده شباهت جدی دارد: «ابوالفضل شیبانی... عن نوح بن مبشر عن ولید بن صالح عن ابن امرأة زید بن ارقم عن زید» (ابن طاووس، ۱۴۱۳: ۵۷۸) شباهت مهم دیگر این که روایت ابن مغزلی با روایت شیبانی در مقدمه روایت تا قبل از شروع خطبه هم سان و تفاوت ها ناچیز است (قس: ابن مغزلی، ۱۳۸۴: ۳۴ عبارت: «أقبل نبی الله من مكة» تا «ثم إنصرف إلینا»، با ابن طاووس، ۱۴۱۳: ۵۷۸ عبارت: «لما أقبل رسول الله» تا «ثم إلتفت إلینا»). اما با آغاز خطبه؛ این دو روایت بسیار متفاوت می شوند و روایت ابن مغزلی به نسبت مختصر (دو صفحه) است. جالب این که ابن مغزلی پس از اتمام خطبه با عبارت (هذا آخر الخطبة) به پایان یافتن خطبه در همان دو صفحه تأکید می کند (ابن مغزلی، ۱۳۸۴: ۳۶).

۳. بررسی ادعای انتساب خطبه به طبری

حال آیا - چنان که شیبانی مدعی شده - طبری مورخ، این خطبه را روایت کرده است؟ رسول



جعفریان روایات بازمانده از «کتاب فضائل علی بن ابی طالب و کتاب الولاية» از طبری را جمع و با همین عنوان منتشر کرده است. علاوه بر این، وی با توجه به کتاب‌شناسی‌های منابع کهن در مورد آثار طبری و اطلاعات منابع گوناگون، عنوان «رسالة فی طرق حدیث غدیر» را نیز مناسب کتاب می‌داند (جعفریان، ۱۳۷۹: ۱۰-۱۱). طبق اطلاعات، این کتاب تعدادی از مولفان شیعی و غیر شیعی یا کتاب طبری را در اختیار داشته و از آن در کتاب‌های خود نقل کرده و یا به طرق مختلفی به برخی از آن نقل‌ها دست یافته است.

علی بن یونس بیاضی عاملی (م ۸۷۷ق) نیز روایت خطبه پیامبر را به‌عنوان روایتی از کتاب الولاية طبری به‌نقل از زید بن ارقم در کتاب صراط المستقیم خود نقل کرده که همان خطبه مورد نظر ما به روایت شیبانی است. (بیاضی، ۱۳۸۴: ۳۰/۱) اما به‌نظر می‌رسد این نقل نمی‌تواند از کتاب طبری باشد و یا نقل آن توسط طبری را ثابت کند. بنا بر فحص جعفریان، بیاضی نقل‌های خود از کتاب طبری را از ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ق) و علی بن طاووس (م ۶۶۴ق) گرفته است (جعفریان، ۱۳۷۹: ۳۹). اما ابن شهر آشوب اساساً این خطبه را نقل نکرده است؛ پس تنها علی بن طاووس باقی می‌ماند.

ابن طاووس کتاب الولاية طبری را در اختیار داشته و در مواضع مختلفی از کتاب «الیقین» خود از این کتاب طبری نقل‌هایی را آورده است (ابن طاووس، ۱۴۱۳: ۲۱۵-۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۴۷۷). او در این کتاب در صدد بوده نصوص اختصاص وصف «امیر المؤمنین» به امام علی علیه السلام را گرد آورد، از همین رو اگر روایت مذکور از طبری در کتاب وجود داشت، انتظار می‌رفت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین روایات از آن یاد کند؛ زیرا در آن هم این اختصاص مهم در موضع مهمی چون غدیر یاد شده است (ابن طاووس، ۱۴۱۳: ۵۸۳) و از طرفی ابن طاووس در الیقین، عنوان ۶ باب را به روایات آثار ابن جریر طبری اختصاص داده است (ابن طاووس، ۱۴۱۳: ۱۰۰، ۱۱۸-۱۲۰، ۲۱۵، ۲۲۲...).

ابن طاووس در کتاب الیقین خطبه به روایت شیبانی را نقل نمی‌کند و در کتاب «التحصین» نیز در روایت خطبه از طبری، متکی به ابوالفضل شیبانی (و نه کتاب طبری) است (ابن طاووس، ۱۴۱۳: ۵۷۸). ابن طاووس کتاب التحصین را بعد از کتاب الیقین نوشته و در مقدمه التحصین می‌گوید: «بعد از تألیف الیقین حدود ۵۰ حدیث یافتیم که مضمون آن‌ها شبیه احادیث کتاب الیقین بود و از منابعی غیر از مراجع کتاب الیقین به‌دست ما رسیده است.» (ابن طاووس، ۱۴۱۳: ۵۳۲) بنابر این به شهادت ابن طاووس روایت خطبه پیامبر در کتاب مذکور طبری وجود نداشته است.

قاضی نعمان مغربی (م ۳۶۳ق) نیز این کتاب طبری را در اختیار داشته و از آن نقل کرده است. او

نسبت به دیگران بیشترین روایات را از کتاب طبری در کتاب خود بر جای گذاشته است. وی به روایت غدیر توسط طبری پرداخته و منقولات او را آورده و اظهار شگفتی می‌کند که چرا طبری با این که خود این احادیث را نقل می‌کند از مذهب عامه پیروی کرده است (مغربی، ۱۴۱۴: ۱۱۶/۱ - ۱۳۶). در این نقل‌های قاضی نعمان نیز خبری از خطبه مذکور به میان نیامده است.

علاوه بر این در منابع مختلفی به روایت طبری از زید بن ارقم با ذکر سلسله سند در مورد واقعه غدیر اشاره شده است. تنها ذهبی (م ۷۴۸ق) به ۱۰ طریق طبری، به روایت زید بن ارقم در خصوص غدیر اشاره می‌کند (ذهبی، ۱۴۲۳: ۶۶ - ۷۲؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۲۲۹/۵، ۲۳۱). جالب آن که سلسله سندی که طبری برای دستیابی به روایات زید بن ارقم در خصوص جریان غدیر ارائه داده با سندی که ابوالفضل شیبانی ادعا می‌کند به کلی متفاوت است و هیچ یک از روایان آن سلسله سندها مشترک نیست و طرق مختلف طبری به روایت غدیر زید بن ارقم مشخص است و هیچ یک از آن‌ها با طریق مورد ادعای شیبانی تشابهی ندارند. بنابراین تردید جدی در سند شیبانی باقی می‌ماند.

بنا بر آن چه در مورد گزارش روایت همدانی و شیبانی گذشت، اولاً هر دو روایت ریشه در یک متن دارند و نظر به تلخیص و تصرفی که در روایت شیبانی صورت گرفته، می‌توان گفت متن اصلی روایت علوی از همدانی بوده است و بر خلاف ادعای شیبانی، ابن جریر طبری این روایت را نقل نکرده است. هر چند طبق اطلاعات رجالی موجود، علوی را چندان نمی‌شناسیم و همدانی به وضع و جعل حدیث متهم شده؛ اما شیبانی متأخرتر است و البته در جعل سند بیشتر دست داشته است. لذا شیبانی روایت همدانی را با سندی جعلی ارائه داده تا سند نامعتبر همدانی را ترمیم کرده باشد. دیگر این که شیبانی بخش آغازین خطبه غدیر را تغییر داده و آن را مانند خطبه زید بن ارقم (مانند آن چه که ابن مغزلی نقل کرده) در آورده است. شیبانی می‌توانسته از طریق شیخ روایی ش محمد بن همام به روایت همدانی دسترسی داشته باشد؛ چنان که او با تلعبری، راوی ابن همام نیز مشایخ مشترک بسیاری داشته است (اکبری، ۱۳۹۹: بخش ۱). این وجه پذیرفتنی‌تر از این است که ارتباط دو سند را در بخش متقدم‌تر و کاملاً مجزای سند امامی همدانی و سند عامی منسوب به طبری بجوییم.

۴. نگاهی به چند نمونه دیگر

بنا بر گزارش کراجکی (م ۴۴۹ق)، شیبانی به واسطه دو راوی منابع عامه - که در منابع امامیه روایتی ندارند - از محمد بن سنان از افضل بن عمر جعفری از ابی خالد کابلی از سلیم بن قیس روایتی طولانی آورده (کتاب سلیم بن قیس، ۹۳۵/۲) که در منابع دیگر به اسناد کاملاً متفاوت روایت شده



(ابن‌شاذان، ۱۴۰۷: ۴۳؛ برسی، ۲۴۵)، اما ریشه مکتوب این اخبار باید یکی باشد. راویان بالا نیز هرگز در سندی از سلیم واقع نشده‌اند؛ در حالی که طریق اخبار سلیم را عموماً ابان بن ابی عیاش دانسته‌اند (قندهاری، ۱۳۹۸: بخش ۴ - ۳ - ۳).

به نظر می‌آید سند فوق اصیل نیست. اما جعل آن توسط آن دو راوی منابع عامه و نیز ابن‌سنان کاملاً مرجوح است. ابن‌سنان به راحتی می‌توانست سند را از مفضل به امام وصل کند. تنها وجهی که به نظر می‌آید او به نام سلیم، سند جعل کند، این است که سلیم برایش مهم بوده باشد. در حالی که نه او و نه مفضل روایت دیگری از سلیم ندارند. چنانکه ابن‌سنان از ابو خالد تنها سه روایت دارد، که به وساطت ضریس کنانی و محمد بن یحیی خثعمی است (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۸۸، ۳۱۳؛ ابن‌بابویه، ۱۳۹۵: ۲/۶۵۴؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۳۳۳)، و از اساس تاکنون به شواهد روشنی از جعل سند توسط ابن‌سنان نسبت به چند طبقه متقدم‌تر دست نیافتیم.

شیبانی از علی بن بابویه قمی (م ۳۲۹ق) روایتی از امام کاظم علیه السلام آورده که داود بن فرقد موثق (شوشتری، ۱۴۱۰: ۲۵۲/۴) می‌پرسد «من الباب؟» و آن حضرت به «ابی الحسن» علیه السلام اشاره می‌کنند (خزاز، ۱۴۰۱: ۲۷۳). قابل توجه آن که در روایت عیون أخبار الرضا علیه السلام، شیخ صدوق از پدرش علی بن بابویه خبر را به سندی مشابه و البته با یک واسطه بیشتر و از داود بن کثیر رقی آورده؛ با عبارت «من الامام بعدک؟» به جای «من الباب» (صدوق، ۱۳۷۸: ۲۳/۱)؛ که البته با سیاق خبر همخوان‌تر است. با عنایت به ترجیح متنی روایت عیون أخبار الرضا علیه السلام و ترجیح رجالی شیخ صدوق بر شیبانی، ظاهراً خود شیبانی یا واسطه احتمالی نقل او از علی بن بابویه - که شیبانی نامش را حذف کرده - مسئول اولی این تغییر هستند. شاید این اختلاف در تعبیر، مرتبط با نگرش مثبت شیبانی به بحث بابیت باشد (طبری [منسوب]، ۱۴۱۳: ۴۲۵).

نمونه دیگری از اسناد شیبانی، گرچه اجمالاً جعلی بودن آن قابل اثبات است، اما محتملاً اصل جعل در طبقات پیش از شیبانی صورت گرفته است. مثلاً در روایتی از شیبانی از رجاء از ابن‌شمون از اصم، گفتگوی مفصلی از ابوذر و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حکایت شده که در آن در موضوعات مختلف اخلاقی بیاناتی از پیامبر آمده است. (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۲۵) برخی پژوهشگران با مطالعه تطبیقی آثاری چون کتاب الزهد ابن مبارک، ضمن ارائه شواهد بسیار بر جعلی بودن تألیف اجزای خبر و سند شیبانی، به‌عنوان احتمالی قابل بررسی، او را از جمله متهمان به جعل آن سند دانسته‌اند (لوسانی، ۱۳۹۹: ۱۴۵ - ۱۴۶).

د. تکرر ناهمخوانی شدید سند، منبع و محتوا در مجموعه اسناد موضوعات کلامی

این که غالب یا تمامی روایان یک سند، مضمون یا اصالت خبر مورد روایتشان را قبول داشته باشند امری رایج است و اینکه برخی از روایان سند خبر را نه برای اصالتش، که به جهت دیگری نقل کنند، نمونه‌های بسیاری دارد و انگیزه‌هایی چون جامع‌نگاری، نقدنگاری، جمع شواهد، جمع مقبولات دیگران و... می‌تواند علت نقل اخباری که نزد خود روایانش لزوماً حجت نبوده، باشد. (اکبری، ۱۳۹۷: بخش ۳ - ۴ - ۲). اما اینکه همه یا غالب روایان سند طولانی، خبری را نقل کنند که قبول ندارند، و هیچ یک نیز قبول نداشتن آن را تذکر ندهند، امری بعید است. حال اگر شخص متهم به جعل، از اسناد متعدد کاملاً متفاوت، متون مورد قبول خویش و بر خلاف عقاید اصلی رجال اسناد را نقل کند و این اسناد هم در جای دیگر یافت نشود، متهم جعل اسناد، خود اوست.

۱. نگاهی به رویکرد کلامی شییبانی

شییبانی دست کم در دوره‌ای از عمرش به اعتقادات امامیه پایبند بوده، و نسبت به جریان‌های مخالف امامیه و پاسخ‌گویی به روایات آنان احساس مسئولیت می‌کرده است (ذاکری، ۱۳۹۸: ۸۴ - ۹۳). اما با عنایت به اتهام شییبانی باید پرسید آیا منازعات مذهبی و نوع تعاملات شییبانی با مشایخ فرق مختلف، انگیزش او بر جعل سند یا دخل و تصرف در محتوای روایات را در پی داشته است؟ یکی از جریان‌هایی که شییبانی خود را در مقابل آن‌ها می‌دید، جریان اصحاب حدیث (پاکتچی، ۱۳۷۹: ۱۱۳) از اهل سنت است (ذاکری، ۱۳۹۸: ۴۸ - ۵۴). این جریان در دوران حیات شییبانی و پیش‌تر از آن روایاتی از امام علی علیه السلام در مورد برتری شیخین و یا سه خلیفه نخست بر تمام امت بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کرده‌اند (ابن ابی عاصم، ۱۴۱۳: ۵۵۸؛ کتانی، ۱۹۰)، حتی ظاهراً در برخی از این روایات این‌گونه آمده که امام علی علیه السلام مخالفان با این دیدگاه را به شدت تنبیه می‌کرده است (خزازه، ۱۴۰۱: ۳۱۲). از نظر آنان چنین روایاتی منازعات و اختلاف‌ها در مورد جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به سود اهل سنت و خلافت خلفای سه گانه پایان می‌بخشید، در حالی که شیعه تردیدی در جعلی بودن این‌گونه روایات ندارد (شوشتری، ۱۳۶۷: ۲۶۰؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۶: ۱/۲۹۴).

ظاهراً همین مسئله کافی بود تا شییبانی که خود نیز مشرب اصحاب حدیث داشت (ذاکری، ۱۳۹۸: ۴۸ - ۵۴) به مقابله به مثل با این جریان پرداخته و از سران و بزرگان جریان مذکور روایاتی در تأیید باورهای کلامی امامیه نقل کند و به سان برخی از مشایخ عامی خود در پی زیادکردن اسنادش بیفتد. هرچه تعداد احادیث و مشایخ ناقل این‌گونه روایات همسو با مذهب، بیشتر باشد؛ در نظر اهل حدیث



بیشتر باورهای مذهبی را تقویت می‌کرد. امری که خزاز قمی (سده ۴ و ۵) به‌عنوان یکی از مهم‌ترین محدثان توثیق شده (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۶۸؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۲۹۰؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۲۹۴/۱) - که بسیار و با ترضی و ترحم از شیبانی نقل کرده - بدان اذعان می‌کند (خزاز، ۱۴۰۱: ۳۱۲). از همین رو در «کفایة الاثر»، روایات بسیاری از شیبانی در تأیید امامت امامان از بزرگان اهل سنت از صحابه‌ای مانند عمر بن خطاب، عایشه و... آورده است (همان، ۲۳، ۶۸، ۷۹، ۹۰، ۹۶، ۱۳۲).

۲. اضافات روایات شیبانی در روایت از منابع عامه

شیبانی روایت اسامی و مشخصات دوازده امام را با نقل داستان‌هایی به سران جریان‌های عامه نسبت می‌دهد (همان، ۱۳، ۴۰، ۵۳، ۵۶، ۷۴، ۱۷۵ و...). خزاز روایتی طولانی را از شیبانی به ۵ طریق کاملاً متفاوت از بزرگان عامه از ابی سلمه از عایشه نقل می‌کند که در آن عایشه نام ائمه علیهم‌السلام را بر لوحی نگاشته بوده است (خزاز، ۱۴۰۱: ۱۸۷ - ۱۹۲). بنا بر اسناد شیبانی، ابوسلمه، حلقه مشترک اسناد است. لذا بنا بر «اصل همبستگی متن و منبع» (فندهاری، ۱۳۹۸: بخش ۲ - ۴ - ۳) متن مکتوب آن نیز باید در طبقه تابعیان موجود بوده و در اختیار جمع زیادی از محدثان پر روایت عامه قرار گرفته باشد، حال آن‌که کسی غیر از شیبانی، نه از این اسناد، و سند دیگری از عایشه در این زمینه نقل نکرده است.

البته بخشی از متن این خبر هم که در اثر یکی از سنیان حاضر در یکی از اسناد شیبانی، یعنی طبقات ابن سعد (م ۲۳۰) آمده، - چنان‌که انتظار است - تنها بخش غیر مشتمل بر بحث امامت ائمه علیهم‌السلام است (نمونه: ابن سعد: ۴۲۵)؛ که ساختگی بودن این اسناد شیبانی را می‌نمایاند. جالب آن‌که در همین بخش امامت ائمه از خبر نیز ابو سلمه از عائشه چنین می‌پرسد: «هَلْ عَهِدَ إِلَيْكُمْ تَسِيَكُمْ كَمْ يَكُونُ مِنْ بَعْدِهِ مِنَ الْخُلَفَاءِ» در حالی که در اخبار عامه، این متن سؤال جوانی از عبدالله بن مسعود به روایت مسروق است (نمونه: احمد بن حنبل، ۱۴۱۶: ۴۰۶/۶، ۳۲۱؛ ابن‌ابی‌شیبیه، ۲۷۴). نرم افزار جوامع الکلم ۱۹ مورد در این معنا از ابن مسعود آورده که همگی به نقل مسروق است. ابن بابویه (م ۳۸۱ق) محدث امامی معاصر شیبانی، نیز به درستی همه اسناد را به مسروق نسبت داده (خزاز، ۱۴۰۱: ۲۴؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۶۷، ۲۷۱؛ ۱۳۶۲: ۱/۶۷ - ۶۹)؛ اما در اخبار شیبانی و ابن منده از مشایخ خزاز، این سؤال و جواب به دیگران منسوب است (خزاز، ۱۴۰۱: ۱۹۰، ۲۳۸). دو طبقه نخست اولین سند از همین اسناد پنجگانه شیبانی از نظر رجال، تعبیر تحدیث، و حتی ذکر سال مانند سند

غریب او در روایت صحیفه سجادیه است (قس: بحرانی، ۱۴۱۳: ۱۳۳/۶) که از حارث بن ابی أسامه (م ۲۸۲ق) از ابن سعد نقل می‌کنند.

البته امامیه روایات معتبر متعددی در زمینه امامت از منابع خود (قربانی، ۱۳۹۲: سرتاسر) و نیز عامه (نمونه: زینلی، ۱۳۸۸: ۱۰۵ - ۱۱۴) در دست دارند؛ اما ظاهراً شیبانی مطالبی را که در مورد امامان دوازده‌گانه در اختیار داشته، با توجه به روش‌های محدثان سنی و با الگو گرفتن از آن‌ها به‌گونه‌ای نقل کرده، تا در منازعات مذهبی به‌کار آید. شیبانی ۲۰ سند عامی برای روایت «نه امام از صلب حسین (علیه السلام)» نقل می‌کند، که در مواردی نیز مستقیماً از رجال مورد توثیق عامه مانند طبری است (خزاز، ۱۴۰۱: ۳۰، ۵۷، ۹۶، ۱۲۰، ۱۷۵). که البته به کلی این تعبیر مشهور شیعی را در منابع موجود عامه نیافتیم. هرچند کفایة الأثر بیش از ۶۰ سند غالباً عامی با این تعابیر آورده؛ اما منابع امامی جامع اسناد فریقین در موضوع امامت، عموم اسنادشان برای تعبیر فوق، امامی و شیعی است (نمونه: نعمانی، ۱۳۹۷: ۶۷ - ۱۰۲؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۲۵۷ - ۲۸۹ و... با ۱۷ طریق).

اگر در صحت روایت‌گری خزاز تردید نکنیم، البته چه بسا گاه مسؤولیت برخی اسانید نادرست شیبانی بر عهده مشایخ متهمش باشد؛ مانند صالح بن احمد قیراطی (م ۳۱۶ق) و حسن بن علی بن زکریا عدوی (۳۱۸ یا ۳۱۹ق) (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۷۵، ۶۲۲) که هم‌چون شیبانی، به سندسازی متهم‌اند (ابن حبان، ج ۱/۳۷۳، ۲۴۱؛ بغدادی، ۱۴۱۷: ۳۹۲/۷ - ۳۹۶؛ ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۵۵). مثلاً شیبانی ضمن نقل خبر عامی مشهور جابر بن سمره، به سندی از عمر، می‌گوید این سند را تنها نزد عدوی دیده و او را توثیق می‌کند (خزاز، ۱۴۰۱: ۹۱، نیز ۸۹).

۳. طرق جدید و متنوع شیبانی برای روایات عامه

در کفایة الأثر، شیبانی خبر جابر را با الفاظ یکسان «يَكُونُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلَّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ»، از مشایخی کاملاً متفاوت از ابن مسعود، سلمان و عمر نقل کرده (خزاز، ۱۴۰۱: ۲۷، ۴۴، ۹۰)، و با وجود اتحاد الفاظ، خود شیبانی در مورد این اسناد متهم است؛ زیرا برای خبر فوق، نرم افزار جوامع الکلم ۱۵۸ سند از جابر بن سمره شمرده، و غیر از اسناد منفرد صحابه، تنها با مضمون نزدیک، ۹ مورد از وهب بن وهب آورده است؛ نه صحابه ادعایی شیبانی، ده‌ها سند ثقات متقدم امامی، از جمله ابن بابویه در کفایة الأثر هم عموماً فقط از جابر است (خزاز، ۱۴۰۱: ۵۰ - ۵۲؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۴۶۹ - ۴۷۵، با ۲۰ مورد؛ نعمانی/۱۲۰ - ۱۲۵؛ نیز ر.ک: احمد بن حنبل، ۱۴۱۶: ۴۰۱/۳۴ - ۴۲۹، با ۳۰ مورد). تحلیل خوش‌بینانه شکل‌گیری این همه اسناد غریب شیبانی با فحص شیبانی از شذوذات



مشایخ خالی از دشواری نیست.

هم چنین در کتاب دلایل الامامه مجموعه روایاتی از محمد بن جریر طبری عامی (م ۳۱۰ق) به اسانید غالباً عامی آمده، که در آن معجزات غریب بسیاری از ائمه امامیه علیهم السلام نقل شده است. در بسیاری از اسناد اشکالات تاریخی جدی مانند ناهمخوانی با طبقات و منس روات سند به چشم می خورد (عادلزاده، ۱۳۹۶ش، سرتاسر). بنا بر دیدگاه برخی از پژوهشگران «جعل این دسته احادیث به احتمال زیاد کار یکی از شیوخ نویسنده دلایل الامامه، یعنی ابوالفضل شیبانی است» (انصاری، ۱۳۹۳ش).

گفتنی است مسئله تقابل شیبانی با جریان های حدیثی در مورد امثال زیدیه نیز نمایان است. بر اساس گزارش کفایة الاثر، زیدیه نیز در منازعاتشان با امامیه و در تقویت مذهب خود روایاتی از امام صادق علیه السلام را مورد استناد قرار می دادند که در آن ها امام صادق علیه السلام خود را از پیروان زید معرفی می کند (خزاز، ۱۴۰۱: ۳۱۱). بر همین اساس می توان گفت شیبانی در تقابل با این جریان ها روایاتی از زید بن علی (م ۱۲۰ یا ۱۲۱ق) و یحیی بن زید (م ۱۲۵ق) در تأیید باورهای مذهبی امامیه با تکیه بر ۱۲ امام نقل کرده است (خزاز، ۱۴۰۱: ۳۰۲؛ بحرانی، ۱۴۱۳: ۱۳۳/۶). در همین راستا رو یکرد احتجاجی شیبانی در قبال عباسیان و حسنیان نیز در آثار متعددی نمود یافته است (ذاکری، ۱۳۹۸: ۹۱ - ۹۴).

نتیجه

۱. حفظ بالا، کثرت اخبار و گستردگی سماع ابوالفضل شیبانی از مشایخ مورد قبول جمعی از قدمای فریقین واقع شده که برخی از قداما در قبال ضعف اسناد شیبانی تسامح ورزیده اند.
۲. در برابر، تضعیفات جمعی از نقادان مانند ابن غضائری و دارقطنی مستندات قابل توجهی وجود دارد و دلایل انتقادات برخی از عالمان قرون اخیر به تضعیفات پیشینان رجالی محکم نیست. شاهدی هم نداریم که امامیه در تضعیفات شیبانی از عامه تأثیر پذیرفته باشند، اما حتی بر فرض تأثیر پذیری، باز شواهد دخل و تصرفات غیر متعهدانه شیبانی در نقل روایات برای تأیید تضعیفات کافی است.
۳. مشکلات طبقاتی اسناد شیبانی بر کوتاه و متصل کردن اسناد توسط او، و ناهمخوانی شدید مجموعه ای از اسناد و متون شیبانی بر تخلیط او و مجموعاً بر سرقت حدیث شهادت می دهد؛ اما در کشف سندسازی شیبانی بیش از همه بررسی های تطبیقی اسناد و متون راهگشا است. هر چند تردیدها

در اسناد آثاری چون کفایة الأثر در مواردی قضاوت را مشکل می‌کند.

۴. نمی‌توان به اخبار شیبانی نگاه مطلقى داشت. گاه شواهدی بر جعلی بودن اسناد شیبانی دلالت دارد، گاه اسناد او واقعی، و اشکال سند او تنها در حذف وسائط و کوتاه جلوه دادن سند است و حتی گاهی قرائن برای قضاوت در مورد اسناد او کافی نیست. تبیین دقیق حدود هر یک از این موارد، از عهده این مقاله خارج است، و پژوهش‌های بعدی را می‌طلبد.

پی‌نوشت:

- (۱) منظور از سرقت حدیث این است که راوی حدیث دیگران را که نشنیده، بگیرد و صریحاً ادعای سماع حدیث از مشایخ ایشان بکند (صبیحی، ۲۳۵/۳؛ جدیع، ۱۴۲۴: ۳۹۲/۱)
- (۲) تخلیط در منابع عامه بیشتر ناظر به اموری مانند فساد عقل راوی، ضعف حافظه و بی‌ثباتی اقوال و رفتار راوی مطرح می‌شود، که به درهم آمیختگی روایات او انجامیده است (ابوشهبه، ۱۴۰۳: ۶۷۱).
- (۳) أصل، اصطلاحی در علم حدیث است، به معنی هر یک از نسخه‌ها و نوشته‌های آغازین که مستقیماً از کتاب شنیده‌ها پدید آمده بوده‌اند (حاج منوچهری، ۱۳۷۶: ۲۱۸)
- (۴) بسیاری از اهل حدیث، حدیث منکر را روایتی می‌دانند که متنش از غیر طریق راوی آن یافت نمی‌شود؛ یعنی غریب و متفرد است. برخی نیز آن را با شاذ یکی گرفته‌اند (ابوشهبه، ۱۴۰۳: ۳۰۳)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع

۱. ابن ابی شیبیه، عثمان، مسند ابن ابی شیبیه، تحقیق: عادل یوسف العزازی وأحمد المزیدی، ریاض: دارالوطن، بی تا.
۲. ابن ابی عاصم، ضحاک بن مخلد، کتاب السنة، بیروت: المكتبة الاسلامی، سوم، ۱۴۱۳ق.
۳. الخصال، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: نشر جامعه مدرسین حوزه، ۱۳۶۲ش.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان، ۱۳۸۷ق.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: نشر جامعه مدرسین حوزه، ۱۳۹۵ق.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: نشر جامعه مدرسین حوزه، ۱۴۱۳ق.
۷. ابن حبان، محمد تمیمی بستی، المجروحین من المحدثین و الضعفاء و المتروکیین، تحقیق: محمد ابراهیم زاید، دارالباز للنشر و التوزیع، مکه مکرمه، بی تا.
۸. ابن حجر عسقلانی، أحمد بن علی، لسان المیزان، تحقیق: دائرة المعارف النظامیة الهند، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۹. ابن داوود حلی، تقی الدین حسن بن علی، الرجال، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۴۰۵ق.
۱۰. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، تحقیق: محمد بن صامل سلمی، طائف: مكتبة الصديق، بی تا.
۱۱. ابن شاذان، محمد بن احمد، مائة منقبة من مناقب امیر المؤمنین و الائمه، تحقیق: مدرسه امام مهدی عج، قم: نشر مدرسه امام مهدی عج، ۱۴۰۷ق.
۱۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، معالم العلماء، نجف: المطبعة الحیدریة، ۱۳۸۰ق.
۱۳. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، قم: نشر علامه، ۱۳۷۹ق.
۱۴. ابن طاووس، علی بن موسی، الاقبال بالاعمال الحسنه، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: نشر دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ش.

۱۵. ابن طاووس، علی بن موسی، التحصین لأسرار مازاد من کتاب الیقین، تحقیق: اسماعیل انصاری زنجانی خوئینی، قم: دارالکتاب، ۱۴۱۳ق.
۱۶. ابن طاووس، علی بن موسی، جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع، قم: دارالرضی، ۱۳۳۰ق.
۱۷. ابن طاووس، علی بن موسی، فلاح السائل و نجاح المسائل، قم: بوستان کتاب، ۱۴۰۶ق.
۱۸. ابن طاووس، علی بن موسی، الیقین باختصاص مولانا علی علیه السلام بإمرة المؤمنین، تحقیق: اسماعیل انصاری زنجانی خوئینی، قم: دارالکتاب، ۱۴۱۳ق.
۱۹. ابن عساکر، علی بن الحسن، تاریخ مدینه دمشق، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
۲۰. ابن غضائری، احمد بن حسین بن عبیدالله، رجال، تحقیق: محمدرضا حسینی جلالی، قم: دارالحديث، ۱۳۶۴ش.
۲۱. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، تصحیح عبدالحسین امینی، نجف: دارالمرتضویة، ۱۳۵۶ش.
۲۲. ابن کثیر، اسماعیل، البداية و النهایة، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۲۳. ابن مغزلی، علی بن محمد، مناقب علی بن ابی طالب، بی جا، انتشارات سبب النبی، ۱۳۸۴ش.
۲۴. ابن مقاتل، ابو الفتح محمد بن الحسن بغدادی المجالس النمیریة، سلسله تراث العلویین، تحقیق: ابوموسی حریری، لبنان: دار لأجل المعرفة، بی تا.
۲۵. أبوشهبة، محمد بن محمد بن سویلم، الوسيط فی علوم ومصطلح الحديث، دارالفکر العربی، نشر در الشاملة: ۱۴۳۱ق.
۲۶. احمد بن حنبل، مسند الإمام أحمد بن حنبل، تحقیق: شعيب ارتؤوط و جمعی از محققین به اشراف: عبدالله بن عبدالمحسن ترکی، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۶ق.
۲۷. احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، قم: مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۴۱۶ق.
۲۸. اکبری، عمیدرضا، بررسی اختلافات مبانی قدما و متأخران امامیه در تضعیفات رجالی، قم: پایان نامه سطح ۳ حوزه، ۱۳۹۷ش.



۲۹. اکبری، عمیدرضا، (۱۳۹۹ش). «تفاوت طبقات اسناد ابوالفضل شیبانی و برخی از محدثان معاصر او»، پایگاه الآثار، ۱۶ دی. (alasar.blog.ir/۱۳۹۹/۰۹/۱۶/shaibani)
۳۰. انصاری، حسن (۱۳۹۳ش). «متن شیعی مجعول و منسوب به محمد بن جریر طبری»، پایگاه کاتبان، ۲۶ مرداد. (ansari.kateban.com/post/۲۱۶۶)
۳۱. انصاری، حسن، *L'imamat et l'Occultation selon l'imamism*، هلند: بریل، ۲۰۱۷م.
۳۲. بحرانی، هاشم بن سلیمان، *مدینه المعاجز الائمة الإثنی عشر*، قم: مؤسسه معارف اسلامیة، ۱۴۱۳ق.
۳۳. برقی، احمد بن محمد، *المحاسن*، تصحیح جلال‌الدین محدث، قم: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ق.
۳۴. بغدادی، احمد بن علی، *تاریخ بغداد أو مدینة السلام*، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق.
۳۵. بغدادی، احمد بن علی، *موضح اوهام الجمع و التفریق*، تحقیق: عبد المعطی امین قلعبی، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۷ق.
۳۶. بیاضی نباطی، علی بن محمد، *الصرائط المستقیم الی مستحقی التقدیم*، تحقیق: رمضان میخائیل، نجف: نشر المكتبة الحیدریه، ۱۳۸۴ق.
۳۷. پاکتچی، احمد، «ابوالفضل شیبانی»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، تهران: بنیاد دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۳ش.
۳۸. پاکتچی، احمد، (۱۳۷۹ش). «اصحاب حدیث»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، تهران: بنیاد دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۳۹. جدیع، عبدالله بن یوسف، *تحریر علوم الحدیث*، بیروت: مؤسسه الریان للطباعة والنشر، ۱۴۲۴ق.
۴۰. جعفریان، رسول، *فضائل علی بن ابی طالب و کتاب الولاية*، قم: دلیل ما، ۱۳۷۹ش.
۴۱. حائری مازندرانی، محمد بن اسماعیل، *منتهی المقال فی أحوال الرجال*، قم: مؤسسه آل‌البتیة لإحیاء التراث، ۱۴۱۶ق.
۴۲. حاج منوچهری، فرامرزی، *مدخل «اصل»*، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، جلد ۱۰، تهران: ۱۳۶۷ش.

۴۳. حلی، علی بن یوسف بن مطهر، العدد القویه لدفع المخاوف الیومیه، تحقیق: مهدی رجایی و محمود مرعشی، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۸ق.
۴۴. خزاز قمی، علی بن محمد، کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر، تحقیق: عبد اللطیف حسینی کوهکمره‌ای، قم: نشر بیدار، ۱۴۰۱ق.
۴۵. خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایة الکبری، سلسله التراث العلوی، ج ۷، تحقیق: ابو موسی و شیخ موسی، دیار عقل (لبنان. دار لأجل المعرفة، ۲۰۰۷م.
۴۶. خلال، الحسن بن محمد، المجالس العشرة، تحقیق: مجدی فتحی السید، طنطا: دارالصحابة للتراث، بی تا.
۴۷. دار قطنی، سوالات حمزه، تحقیق: موفق بن عبدالله بن عبد القادر، ریاض: مكتبة المعارف، ۱۴۰۴ق.
۴۸. ذاکری، محمد تقی، زندگی فرهنگی سیاسی شلمغانی؛ از استقامت تا انحراف، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۷ش.
۴۹. ذاکری، محمد تقی، نقش ابوالفضل شیبانی در روایات تاریخ اهل بیت علیهم السلام، رساله دکتری، مجتمع آموزش عالی تاریخ، سیره و تمدن اسلامی وابسته به جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۹۸ش.
۵۰. ذاکری، محمد تقی - غفوری نژاد محمد «مأخذشناسی و بازشناسی محتوای کتاب الاوصیاء شلمغانی»، انتظار موعود، شماره ۵۰، ۱۳۹۴ش.
۵۱. ذهبی، محمد بن احمد، رساله طرق حدیث من کنت مولاه فهذا علی علیه السلام مولاه، تحقیق: سید عبدالعزیز طباطبایی، قم: دلیل ما، ۱۴۲۳ق.
۵۲. ذهبی، محمد بن احمد، میزان الاعتدال، بیروت: دارالمعرفة للطباعة والنشر، ۱۳۸۲ق.
۵۳. رازی، تمام بن محمد، فوائد تمام الرازی، تحقیق: حمدی عبد المجید السلفی، الرياض: مكتبة الرشد، ۱۴۱۲ق.
۵۴. زینلی، غلامحسین، «امامت امامان در صحاح اهل سنت»، کلام اسلامی، شماره ۵۲، ۱۳۸۸ش.
۵۵. سلفی، أبو طاهر، التاسع من المشیخة البغدادیة لأبی طاهر السلفی، الأوراق: ۳۴۷ق، اسپانیا: مكتبة الأسکوریة، بی تا.



۵۶. سند بحرانی، محمد، الاجتهاد و التقليد فی علم الرجال و اثره فی التراث العقائدي، بقلم: حسن الكاشانی و محمد آل مكباس و مجتبی الاسكندری، قم: مكتبة فدك، ۱۴۲۶ق.
۵۷. شبیری، سید محمد جواد، «الكاتب النعمانی و كتاب الغیبه»، فصلنامه علوم حدیث، شماره ۳، ۱۴۱۹ق.
۵۸. شجری، مرشد بالله یحیی بن حسین بن اسماعیل، امالی الخمیسیه، بیروت: عالم الكتب، سوم، ۱۴۲۲ق.
۵۹. شوشتری، محمدتقی، قاموس الرجال، قم: نشر جامعه مدرسین، ۱۴۱۰ق.
۶۰. شوشتری، قاضی نور الله، الصوارم المهرقة فی جواب الصواعق المحرقة، تصحیح جلال الدین محدث، تهران: چاپخانه نهضت، ۱۳۶۷ش.
۶۱. صبیحی، أبو أنس إبراهيم بن سعید، النکت الجیاد المنتخبة من كلام شیخ النقاد، الرياض: دار طيبة، الأولى، ۱۴۳۱ق.
۶۲. صفری فروشانی، نعمت الله، «اعتبار سنجی آموزه بایت امامان در عصر حضور تا پایان غیبت صغری»، تاریخ اسلام، شماره ۷۲، ۱۳۹۶ش.
۶۳. طاووسی مسرور، سعید - رسول جعفریان، «بازپژوهی حیات علمی ابوالعباس نجاشی و بررسی وثاقت وی»، دو فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیم، س ۸، شماره ۱۹، ۱۳۹۷ش.
۶۴. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، تحقیق: محمد باقر خرسان، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۶۵. طبری، عماد الدین محمد بن ابی القاسم، بشارة المصطفی لشیعة المرتضی، نجف: المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۳ق.
۶۶. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوك، تحقیق: محمد ابو الفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث، ۱۳۸۷ق.
۶۷. طبری، محمد بن جریر [منسوب]، دلایل الامامه، قم: نشر مؤسسه بعثت، ۱۴۱۳ق.
۶۸. طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، تحقیق: مؤسسه بعثت، قم: دارالثقافة، ۱۴۱۴ق.
۶۹. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تحقیق: حسن الموسوی خرسان، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ق.

۷۰. طوسی، محمد بن حسن، رجال الشيخ طوسی، به كوشش جواد القيومي الإصفهاني، قم: جامعة المدرسين، ۱۴۱۵ق.
۷۱. طوسی، محمد بن حسن، الغيبة، تحقيق: عباد الله الطهراني، على أحمد ناصح، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۴۱۱ق.
۷۲. طوسی، محمد بن حسن، فهرست كتب الشيعة و اصولهم، تحقيق: عبد العزيز طباطبائي، قم: كتابخانه محقق طباطبائي، ۱۴۲۰ق.
۷۳. الطويل، محمد امين الغالب، تاريخ العلويين، مطبعة الترقى، اللاذقية، ۱۴۳۴ق.
۷۴. طيوري، أبو الحسن، الطيوريات، تحقيق: دسمان يحيى معالي - عباس صخر الحسن، السعودية: أضواء السلف، ۱۴۲۵ق.
۷۵. عادلزاده، علي، بررسی روایات منسوب به ابوجعفر طبری در دلایل الإمامة، پایگاه الآثار: alasar.blog.ir، ۱۳۹۶ش.
۷۶. عجری، محمد بن حسن، إعلام الأعلام بأدلة الأحكام، مكتبة المحامي احمد المهدي، موجود در نرم افزار الشاملة الزيدية، بی تا.
۷۷. عصمة الدولة، ابوالفتح محمد بن معز الدولة كويج، الرسالة المصرية، (منهج العلم والبيان ونزعة السمع والبيان) بی جا، المجموعة الكاملة: Archive.org، ۲۰۱۶م.
۷۸. عطار، رشيد الدين، نزهة الناظر فيمن حدث عن أبي القاسم البغوي من الأكابر، تحقيق: مشعل المطيري، بيروت: ابن حزم، ۱۴۲۳ق.
۷۹. علامه حلي، حسن بن يوسف بن مطهر اسدي، رجال العلامة الحلي، به كوشش محمد صادق بحر العلوم، قم: دارالذخائر، ۱۴۱۱ق.
۸۰. فتال نيشابوري، محمد بن احمد، روضة الواعظين و بصيرة المتعظين، قم: انتشارات رضی، ۱۳۷۵ش.
۸۱. قرباني، رضا، «بررسی قدمت احاديث دوازده امام در الكافي»، امامت پژوهی، زمستان، ۱۲، ۱۳۹۲ش.
۸۲. قضاعی، محمد بن سلامة، مسند الشهاب، تحقيق: حمدي عبد المجيد السلفي، بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۵ق.



۸۳. قندهاری، محمد، «بازشناسی هویت تاریخی سلیم بن قیس هلالی» پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران: ۱۳۹۸ش.
۸۴. کتاب سلیم بن قیس هلالی، به کوشش محمد انصاری زنجانی، قم: الهادی، ۱۴۰۵ق.
۸۵. کتانی، محمد بن جعفر، نظم المتناثر من حدیث المتواتر، مصر، دارالکتب السلفية، بی‌تا.
۸۶. کراجکی، محمد بن علی، کنز الفوائد، تحقیق: نعمه عبدالله، قم: دارالذخائر، ۱۴۱۰ق.
۸۷. کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفة الرجال (رجال کشی). مشهد: نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق.
۸۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۸۹. لواسانی، رضا، «تجمیع اخبار اخلاقی در حدیث یا اباذر»، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، ش ۶۷، ۱۳۹۹ش.
۹۰. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، قم: موسسه آل البيت علیه لإحياء التراث، ۱۴۳۱ق.
۹۱. مجد، مصطفی، رویکردهای سیاسی عقیدتی ناصر الحق، مجموعه مقالات همایش بین المللی ناصر کبیر، به کوشش: سید علی موسوی نژاد، قم: مجمع جهانی اهل بیت علیه، ۱۳۹۲ش.
۹۲. مجلسی محمد تقی بن مقصود علی، روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، تحقیق: حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهاردی، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، ۱۴۰۶ق.
۹۳. مجلسی محمد تقی بن مقصود علی، لوامع صاحبقرانی (شرح فقیه)، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۴ق.
۹۴. مجلسی محمد باقر بن محمد تقی بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الاطهار، تحقیق: جمعی از محققان، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۹۵. مغربی، نعمان بن محمد شرح الاخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیه، تحقیق: سید محمد حسینی جلالی، قم: مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: ۱۴۱۴ق.

۹۶. موسوی تنیانی، اکبر «مناسبات امامیه و زیدیه، از آغاز غیبت صغری تا افول آل بویه»، تحقیقات کلامی، زمستان ۸۹، ۱۳۹۲ ش.
۹۷. نجاشی، احمد بن علی رجال، قم: موسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۶۵ ش.
۹۸. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران: صدوق، ۱۳۹۷ ق.
۹۹. همدانی، محمد بن عبد الملک، تکملة تاریخ الطبری، تحقیق: البرث یوسف کنعان، بیروت: المطبعة الكاثولیکية، ۱۹۶۱ م.
۱۰۰. وحید بهبهانی، محمد باقر، الفوائد الرجالية، همراه رجال الخاقانی، محقق: محمد صادق بحر العلوم، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۳۶۲ ش.
۱۰۱. یاقوت حموی، معجم الادباء، به کوشش احسان عباس، بیروت: دارالغرب الإسلامی، ۱۹۹۳ م.
۱۰۲. یونارتی، ابونصر، حدیث ابونصر یونارتی، نسخه خطی، مکتبه ظاهریه، مجموعه ۷۴، برگرفته از نرم افزار جوامع اللم، بی تا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



The Criteria of Accurate Comprehension of Hadith [Fiqh al-Hadith] of Imam Ridha's (A.S)^۱

Mahmoud Karimi Bاندادوکوکی^۲

Ramin Ajdari^۳

Sayed Muhammad Hadi Mousavi^۴

Abstract

The Accurate Comprehension of Hadith [fiqh al-hadith] has a high position in the teachings of the Ahl al-Bayt (A.S); In such a way that understanding a hadith is considered superior to quoting a thousand hadiths. A glimpse at the history of the Accurate Comprehension of Hadith [fiqh al-hadith] shows that the discussion of the true understanding and purpose of the words of the Infallible from the age of their presence has been considered and the necessity of relying on sunnah and hadith required that criteria be created for its correct understanding. It seems from the narrations of the Ahl al-Bayt (A.S), especially Imam Ridha's (A.S), that those nobles sought to teach the principles and correct methods of understanding the hadith to their followers so that they could benefit from the narrations by using these principles and the method of correct understanding during their absence and occult to find guidance from them at any time and under any circumstance. What can be obtained from the analysis of the narrations of Imam Ridha (A.S) are: methodological types of understanding the hadith, not opposing to the explicit-definite [nusus] of the Quran, explaining the denotation of the text, paying attention to misunderstanding and misinterpretation of the Imam's hadith, paying attention to the existence of ambiguous [mutashabih] hadiths and referring to unambiguous [muhkam], paying attention to the differences in the audience's understandings, fragmentation of the hadith, developing the meanings of the words of the hadith, understanding the meaning of the words, understanding the hadith in the light of the cause of issuance, paying attention to the phenomenon of forgery and rejecting such hadith attributed to the Imams.

Keywords: Accurate Comprehension of Hadith [Fiqh al-Hadith], Critique of Hadith, Comprehension of Hadith, Radhavi Hadiths, Imam Ridha (A.S).

^۱. Date of Submit: ۱۶، December، ۲۰۲۰ and Date of Accept: ۱۴، April، ۲۰۲۱.

^۲ - Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Islamic Studies and Guidance, Imam Sadegh University, (karimii@isu.ac.ir)

^۳. PhD Candidate, University of Tehran, Tehran, Iran; (Corresponding Author); (ramin.azhdari۱۳۱۱@gmail.com).

^۴. PhD Student, Imam Sadiq University; (sedhadi۲۲۷۲@gmail.com)